

باید و نبایدهای اخلاق فردی و اجتماعی در مخزن‌الاسرار (با رویکرد تاریخ اجتماعی)

مریم شریف نسب*

رعنا جهان‌دیده**

چکیده

ادبیات، بویژه در ژانر تعلیمی، از جمله ابزارهای تجویز هنجارهای اخلاقی است. نقل حکایت در این ژانر یکی از بهترین شگردها برای اثبات حقانیت خوی مورد نظر محسوب می‌شود؛ زیرا حکایت‌ها یا از زیست روزمره مردمان اقتباس می‌شوند و نتیجه‌ای عینی و مشهود دارند و یا برای اقتناع مخاطب در فضایی باورپذیر برساخته می‌شوند. در هردو حالت و کاملاً فارغ از اینکه کاراکترهای حکایت منقول، انسان باشند یا جانورانی با نقش‌های نمادین، دو نکته مبرهن را می‌توان از خلال این حکایت‌ها دریافت: نخست اینکه خلق تشویق یا نهی شده در حکایت، مورد نظر و تایید پدیدآورنده است؛ دوم اینکه خلق مورد تقبیح، مبتلابه مردمان زمانه پدیدآورنده متن، و خلق مورد تشویق، فراموش شده مردمان آن زمانه بوده است که شاعر یا نویسنده برای نهی یا تشویق آن، احساس نیاز کرده است. در این پژوهش، خلق و خوی شخصیت‌ها در تمامی بیست حکایت مخزن‌الاسرار نظامی با آمارهای دقیق، احصا و با روش توصیفی-تبیینی مورد بررسی قرار گرفته است. این بررسی نشان می‌دهد بخش عمده خلقیات این حکایت‌ها (۱۱ حکایت) به تبیین

* استادیار پژوهشکده زبان و ادبیات، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)،
msharifnasab@yahoo.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،
rana.jahandideh@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۱۵

خلقی رابطه مردم با زیستشان در جهان غیرمادی، پس از آن (۷ حکایت) به تبیین رابطه مردم با حکومت، و فقط دو حکایت به تبیین رابطه مردم با یکدیگر ناظر بوده است.

کلیدواژه‌ها: مخزن‌لاسرار، خلیقات، زمینه‌کاوی، مردم، حکومت، مذهب

۱. مقدمه

متن ادبی بویژه در نوع واقعه‌گرا، برگرفته از متن زندگی است و به همین سبب، از رهگذر ادبیات و مسائل مرتبط با آن می‌توان به شناخت مسائل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، و... که در زمان پدیدآمدن متن یا پیش از آن رخ داده است، دست یافت. ادبیات یکی از تجلیگاه‌های آداب و رفتار اجتماعی است که از طریق آن می‌توان خلق و خو و رفتارهای اجتماعی و سیر تحولی آن را نشان داد و چشم‌اندازی از رفتار گذشته‌ی یک قوم را بازنمایی کرد. معنای این سخن این نیست که ادبیات، زندگی روزمره را عیناً نقل و بازنمایی می‌کند؛ بلکه ادبیات یا در بستر تجربیات زیسته مردمان نضج می‌گیرد و به اشکال مختلف آن را بازتاب می‌دهد و یا حاصل آرمان‌ها، آرزوها، خواسته‌ها و نیازهای مردمان است و منویات بشر را به نمایش می‌گذارد.

۲. بیان مسئله

ژانر تعلیمی، متشکل از مجموعه آثاری است که هدف مستقیم آن‌ها ترغیب مخاطب به پذیرش هنجارهای اخلاقی-رفتاری مورد تایید پدیدآورندگان است. در این میان، قالب حکایت یکی از تاثیرگذارترین قالب‌های مورد استفاده در ژانر تعلیمی است؛ زیرا حکایت‌ها اساساً به قصد اقناع مخاطب در پذیرش یا ردّ خصلت مورد نظر نقل یا ساخته می‌شده‌اند. در این کارکرد، حکایت‌ها یا بر اساس دیده‌ها و شنیده‌ها و تواریخ از زندگی بزرگان و نیکان یا بدکاران و شریران انتخاب و نقل شده، نتیجه آن مایه عبرت مخاطب قرار می‌گرفته است و یا بر اساس هدف مورد نظر مبنی بر پذیرش یا ردّ یک اندیشه، رفتار، اعتقاد یا... بر ساخته می‌شده است. حکایت‌های بر ساخته، گاه دارای شخصیت‌های غیرانسانی (مثلاً حیوانات و جانوران یا دیوان و پریان) بوده است و گاه، کاراکترهایی انسانی برگرفته از متن زندگی روزمره بازیگر این حکایات بوده است. گاهی نیز پادشاهان کهن ایران‌زمین و گاه خلیفگان عرب یا پیامبران و برگزیدگان، در داستانی به ظاهر تاریخی و در واقع ساختگی،

القای پیام اخلاقی مورد نظر را بر عهده داشته‌اند. به هر روی، حکایات متون تعلیمی از هر دسته که باشند، یک هدف را دنبال می‌کنند: اقناع مخاطب در پذیرش هنجار مورد نظر راوی.

بر این اساس، می‌توان پذیرفت تمامی کنش‌ها، واکنش‌ها، مکالمات و همه آنچه در متن حکایت به کارگرفته و بازنمایی می‌شود، دارای گزینش و چینشی دقیق، غیر زائد، غیرتصادفی و هوشمندانه است. این نکته وقتی بیشتر پررنگ می‌شود که در نظر بگیریم حکایت، قالبی بسیار کوتاه و موجز (شبهه داستانک) است و مجال برای هنرنمایی‌های زائد و صحنه‌پردازی‌های خارج از دستور ندارد؛ بنابراین هرآنچه گفته می‌شود یا صورت می‌گیرد، در راستای تایید محتوای مورد نظر یا رد آگاهانه آن است؛ یعنی بسته به شرایط، آن هنجار، مورد تبلیغ قرار می‌گیرد و یا مخاطب از آن ناهنجاری نمی‌شود.

با این توضیحات، عملاً هیچ تفاوتی ندارد که کاراکترهای حکایت، ایرانی باشند یا غیرایرانی، انسان باشند یا غیرانسان، تاریخی باشند یا ساختگی؛ زیرا مهم، کنش و رفتار آن‌هاست که مورد تایید و تبلیغ، یا مورد انکار و نفی پدیدآورنده است. بنابراین، براساس حکایت‌های تعلیمی متون (و در این پژوهش، بر اساس حکایت‌های کتاب مخزن‌الاسرار) می‌توان به خلق و خوی مورد تایید یا انکار دوره پدیدآور (نظامی) دست یافت.

هنگامی که مؤلف (در این پژوهش، نظامی) در حکایات، به تجویز فضیلتی اخلاقی یا نفی رذیلتی اخلاقی می‌پردازد، به این معناست که یا کمبود آن را در جامعه عصر خویش حس می‌کند و یا از رواج آن در روزگار خویش رنج می‌برد. همچنین ممکن است به توصیف اخلاقی خاص در جامعه پردازد و تأکید بیشتری بر اجرای آن داشته باشد.

مخزن‌الاسرار نخستین منظومه از پنج‌گنج نظامی گنجه‌ای است که در قرن ششم هجری سروده شده است. این کتاب یکی از منابع مهم در حوزه آموزه‌های اخلاقی است و نظامی در آن به ترسیم آرمان‌شهر خود پرداخته است. این کتاب مشتمل بر بیست حکایت است که نظامی با استفاده از آن‌ها آموزه‌هایی در امور سیاسی، اجتماعی، ایدئولوژی و ... را مطرح کرده است.

این پژوهش قصد دارد به بازبانی و صورت‌بندی مؤلفه‌های خلقی ایرانیان که در حکایت‌های کتاب مخزن‌الاسرار بازتاب یافته است، پردازد. پس از این صورت‌بندی، علل بروز این خلیقات که در متن حکایت بدان اشاره شده نیز بررسی خواهد شد. روش این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است و مبتنی بر مؤلفه‌های تاریخ اجتماعی استوار است. تاریخ

اجتماعی بیشتر به کنش‌ها و شیوه‌های زندگی، انگیزه‌ها و خواست‌های مردمان عادی توجه می‌کند. این رهیافت با تاکید بر نقش شهروندان عادی، مسیر مطالعه جامع‌نگر تاریخ را هموارتر می‌سازد. (نک. رضوی و رهنما، ۱۳۹۶: ۵۹) از آنجا که عموماً کتاب‌های رسمی تاریخ به دست (یا به فرمان) پادشاهان و طبقه حاکم نوشته و مطابق سلیقه ایشان تدوین می‌شده است، همواره جای خالی زندگی مردمان کوچک و بازار در آن‌ها مشهود است. تاریخ اجتماعی، نوعی فهم از تاریخ است که در مقام تحلیل و تبیین حوادث، به گرایش‌های فکری، ویژگی‌های اخلاقی و سبک و سیاق عامه مردم نیز به‌عنوان عاملی اثرگذار بر روند حوادث نگاه می‌کند. تاریخ اجتماعی، بواقع تاریخ منهای حاکمیت با توجه به طبقات فرودست جامعه و توجه به روابط میان همه انسان‌هاست. (نک. موسی‌پور، ۱۳۸۶: ۱۴۵) تاریخ اجتماعی، سه حوزه رابطه مردم با مردم، رابطه مردم با حکومت و رابطه مردم با جهان پیرامون (مادی و غیرمادی) را دربر می‌گیرد.

حوزه نخست (رابطه مردم با مردم) در بردارنده اجزا و عناصر تشکیل‌دهنده زندگی روزانه مردم در دوره تاریخی مورد نظر است. در این بخش به انواع خوراک، ادوات و اشیا و ابزارها و نیز اسباب زندگی روزانه، اوقات فراغت و سرگرمی‌ها، بازی‌ها، ورزش‌ها و مسابقات، نظام خانواده و افراد درون خانواده، بهداشت روزانه و... پرداخته می‌شود.

حوزه دوم (رابطه مردم با دولت و حکومت) شامل بررسی سازمان‌ها و تشکیلات اداری و مالی و دیوان سالاری و نیز تشکیلات نظامی و انتظامی همچون نظام قضایی، پلیس و امنیت شهری، زندان و... است.

حوزه سوم (رابطه مردم با جهان) به دو بخش عمده تقسیم می‌شود:

الف) رابطه مردم با زیستشان در جهان مادی (شامل اجزای مادی شیوه‌های زندگی در جهان، هم‌چون نظام‌های شهرنشینی و شهرسازی، مباحث مربوط به بافت جمعیتی، تقسیمات گروه‌ها و طبقات اجتماعی، مباحث مربوط به ارباب و رعیت، تقسیم مردم به خواص و عوام و یا گروه‌های معیشتی چون کشاورزان، تاجران، صنعتگران، روحانیان، نظامیان، تقسیمات جنسی، گروه‌های کجرو و منحرف (از عرف جامعه) و ... همچنین معماری دینی و عرفی، همچنین مباحث مربوط به شیوه مواجهه مردم با طبیعت و بافتارها و نیروهای طبیعی محیط زیست و...

ب) رابطه مردم با زیستشان در جهان غیرمادی (در بردارنده آیین‌ها و باورها و آداب و رسوم ناظر بر آن‌ها و معتقدات و رفتارهای دینی مردم و نیز مسائل مربوط به

فرهنگ و آموزش و پرورش و انتقال علوم و معارف و سنن به شیوه‌های گوناگون»
(دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۹۶:مدخل تاریخ اجتماعی)

بهترین منبع برای به دست آوردن داده‌های تاریخ اجتماعی، متون ادبِ روایی است و از آن بین، حکایت‌های تعلیمی بیشترین اشارات به زندگی مادی و معنوی مردمان عادی را در بر دارد.

۳. چهارچوب نظری

برای خلق و خو تعاریف متعددی نوشته‌اند که در هر کدام به جنبه‌ای از شکل‌گیری خلق و خو اشاره شده است. جان مارشال ریو در تعریف خلق می‌گوید:

خلق و خو اشاره به آن ویژگی‌های روانشناختی دارد که از فرایند فیزیولوژیکی ارثی سرچشمه می‌گیرند؛ بنابراین خلق و خو به تحریک‌پذیری هر روز مغز، دستگاه عصبی خودمختار و دستگاه درون‌ریز فرد مربوط می‌شود؛ بنابراین تفاوت‌های خلق و خو بیشتر تفاوت‌های زیست‌شناختی هستند. (ریو، ۱۳۹۵:۱۰)

در این تعریف بیشتر جنبه زیست‌شناختی و فیزیولوژیکی خلق و خو که ریشه در ویژگی‌های وراثتی دارد، مورد توجه قرار گرفته است.

میرسپاسی از منظر جامعه‌شناسی، اخلاق را مفهومی توصیف می‌کند که در متن روابط اجتماعی ظهور می‌یابد و به تعبیری پدیده‌ای فرهنگی و اجتماعی است. (نک. میرسپاسی، ۱۳۸۸: ۳۶-۳۷) همچنین از مفهوم دیگری به نام اخلاق اجتماعی نام می‌برد و در تعریف آن می‌نویسد:

اخلاق اجتماعی، باورها و کردارهایی است که شهروندان جامعه از نهادهای اجتماعی (مدنی) و سیاسی و فرهنگی که با آن در ارتباط‌اند، فرامی‌گیرند. باورهایی که تأثیر بسیار مهمی بر روابط میان افراد جامعه و نهادهای آن می‌گذارند. به سخن دیگر، اخلاق اجتماعی در حالت مثبت، امکان زیستن در جامعه‌ای نیک و دموکراتیک را ممکن می‌سازد. (همان، ۱۳۸۸: ۳۶-۳۷)

در تعریفی دیگر، خلق و خو به دو بخش خلق و عاطفه تقسیم می‌شود که دو جنبه بیرونی و درونی دارد و این دو بعد در ارتباط با یکدیگر هستند.

خلق عبارت است از احساس درونی نافذ و پایداری که درک و نگرش فرد نسبت به وجود دیگران و در کل نسبت به محیط را عمیقاً تحت تاثیر قرار می‌دهد. عاطفه به نمود بیرونی خلق اطلاق می‌شود. خلق می‌تواند طبیعی، بالا یا سرکوب‌شده باشد. افراد ناسالم، طیف وسیعی از تغییرات خلق و به همان تعداد تغییرات عاطفه را تجربه می‌کنند. این افراد قادر به کنترل خلق و عاطفه خود نیستند. (کاپلان و سادوک، ۲۰۶)

در این پژوهش، آنچه در تعاریف مختلف خلق و خو مورد نظر است، جنبه‌های مربوط به بُعد اجتماعی انسان، شیوه‌های اجتماعی شدن او و رابطه‌ای است که فرد با محیط اطراف خود برقرار می‌کند. خانواده اولین اجتماعی است که کودک وارد آن می‌شود و بعد از آن اقوام، گروه دوستان، مدرسه و دانشگاه و محیط شغلی اجتماعاتی هستند که در شکل‌گیری خلق و خوی فرد نقش مهمی دارند؛ بنابراین در شکل‌گیری خلق و خوی افراد، نهادهای تشکیل دهنده اجتماع نقش بسیار مؤثری دارند؛ به بیان دیگر، این الگوی مفهومی مورد نظر این پژوهش، در چارچوب جامعه‌شناسی معنادار است.

«در این الگوی مفهومی، شخصیت، نظام تمایلی هنجار شده تعریف می‌شود. علاوه بر این، در این الگو شخصیت، نظام واسط بین نظام ارگانیک (آلی) و نظام اجتماعی (جامعه) تلقی می‌شود که در اثر جامعه‌پذیری تکوین و رشد می‌یابد.» (چلبی، ۱۳۸۲: ۸۶)

فراستخواه در کتاب ما ایرانیان، نظریه نونهادگرایی را برای زمینه‌کاوی تاریخی و اجتماعی خلیات ایرانی مطرح می‌کند.

بر مبنای این رهیافت، وضعیت موجود یک جامعه و فرهنگ، گرانبار از گذشته و باردار آینده است. مهم‌ترین کلیدواژه‌های این رهیافت «وابستگی به مسیر» است و در آن، فرض بر این است که باورهای مردم، روحیات و خلیات آن‌ها در سرگذشت نهادهای یک جامعه و رویدادها و وقایع آن ریشه دارد. (فراستخواه، ۱۳۹۴: ۶۳-۶۴)

در این نظریه، نهادها عاملی اثرگذار در خلق و خو معرفی می‌شوند که از شکل‌ها و شرایط پایدار شیوه‌های عمل براساس ارزش‌ها و هنجارهای مشترک ساخته شده‌اند. این نهادها هستند که جامعه را می‌سازند و در شکل‌گیری خلیات مردم آن جامعه نقش دارند. در کنار این عامل، فراستخواه از سه عامل مؤثر دیگر بر خلق و خو نام می‌برد:

یک سطح از عوامل مؤثر بر روحیات و خلق و خوی ما، نهادهای درونی جامعه است، مانند نهادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی (مثلاً مالکیت و ساختار قدرت). سطح دوم، عاملان انسانی و نقش و کنش آن‌هاست؛ به طوری که بر حسب نحوه عمل آن‌ها

با سیر تکوینی دیگر از نهادها و ساختارها روبه‌رو می‌شویم. سطح سوم، محیط منطقه‌ای و جهانی است که در دوره‌های تاریخی مختلف بر رفتار ایرانیان اثر گذاشته. اگر ما در یک محیط دیگر قرار داشتیم، نهادهای مان به صورت دیگری شکل می‌گرفت؛ چنان که تحولات امروزی محیط جهانی یا منطقه‌ای نیز هم در کارکرد نهادها و هم در کنش‌گری عاملان انسانی این سرزمین تأثیر می‌نهد. سرانجام سطح چهارم از تحلیل، ناظر بر وقایع و رویدادهای خاصی است که در رابطه ما و محیط اتفاق افتاده است؛ زیرا امکان دارد در جامعه ما با همین نهادها و عاملان و در همین محیط، وقایع متفاوتی روی دهد که طبعاً نتایج در حوزه خلیقات، متفاوت خواهد بود. (همان، ۱۳۹۴: ۶۱-۶۲)

در کتاب منش فرد و ساختار اجتماعی نوشته گرت و میلز (۱۳۸۰)، واکنش فرد با توجه به قرارگرفتن در نهادهای اجتماعی و نقش‌هایی که فرد در این نهادها می‌پذیرد، بررسی می‌شود. این نهادها به پنج بخش نظام سیاسی، نظام اقتصادی، نظام نظامی، نظام خویشاوندی و نظام مذهبی تقسیم می‌شوند. مجموع این نظام‌ها با یکدیگر ساختار اجتماعی جامعه را تشکیل می‌دهند و با یکدیگر ارتباط مستقیم دارند. در این کتاب انسان کنشگر اجتماعی است که ایفاکننده نقش‌های مختلف در اجتماع است و برحسب وجود انگیزش‌هایی رفتار می‌کند. تفاوت در ساختارهای اجتماعی سبب تفاوت در انگیزه‌های افراد می‌شود. (نک. گرت و میلز، ۱۳۸۰: ۵۷)

در این پژوهش با توجه به ساختارها و نهادهای سیاسی، اجتماعی، مذهبی و اقتصادی به زمینه‌کاوی درون متنی حکایت‌های مخزن الاسرار پرداخته می‌شود. این بررسی کاملاً در چارچوب مولفه‌های تاریخ اجتماعی (بررسی رابطه سه‌گانه مردم با مردم، مردم با حکومت و مردم با جهان مادی و معنوی) خواهد بود.

۴. پیشینه پژوهش

درباره اجتماعیات در ادب فارسی تا کنون تحقیقات بی‌شماری انجام شده است که هر یک به گوشه‌ای از تأثیر و تأثر متقابل ادبیات در جامعه و همچنین نمودهای فرهنگی و اجتماعی در آثار ادبی پرداخته‌اند. از جمله جامعه‌شناسی طبقات و اصناف اجتماعی در مرصادالعباد، بررسی وجوه اخلاقی، فردی و اجتماعی در دفتر اول مثنوی، بررسی مضامین اجتماعی در شعر انوری ابیوردی، سیمای جامعه در آثار عطار، سیمای جامعه در آثار سنایی، بازتاب فرهنگ ایرانی در کتاب جوامع‌الحکایات عوفی و... که در هر یک از این آثار بیشتر به

بازنمایی اجتماع در ادبیات پرداخته شده است و هدف از نگارش آن‌ها بررسی چگونگی بازنمایی جامعه در آثار ادبی بوده است.

محمود روح‌الامینی در کتاب نمودهای فرهنگی و اجتماعی در ادبیات فارسی در سه بخش با تحلیل آثار مختلف به نمودهای اجتماعی از جمله بازتاب قشربندی اجتماعی در دیوان حافظ، ساختار فرهنگی و اجتماعی ازدواج‌های شاهنامه، ارزش فرهنگی و اجتماعی نامه‌های خصوصی و... می‌پردازد. ایشان در مقدمه‌ای که بر کتاب خود نوشته‌اند به فهم اجتماعیات در لابه‌لای متون ادبی تأکید ویژه‌ای دارد و ادبیات را یکی از ارکان مهم در شناخت تاریخ اجتماعی و فرهنگی می‌داند.

در مقاله‌ی «هویت انسان در پنج گنج نظامی» (۱۳۹۲) نوشته رامین محرمی و اعظم سروری، سه بعد هویت انسانی که شامل هویت فردی، اجتماعی و آرمانی است، بررسی شده و نتیجه گرفته می‌شود که انسان آرمانی در نظر نظامی کسی است که بتواند از عالم انسانی برهد و به عالم روحانی عروج کند و این سه بعد را در هماهنگی به سوی حق هدایت کند.

«ابهام‌گویی سیاسی در منظومه‌های نظامی» عنوان مقاله‌ای است که شیرین قهرمان (۱۳۸۹) نوشته است. در این مقاله مخزن‌الاسرار اثری تعریف می‌شود که تصویری از بایدها و نبایدهای سیاسی و اجتماعی را در زمینه‌ای اخلاقی-مذهبی به نمایش می‌گذارد و این هنجارها را در پرده‌ای از ابهام و با ظریف‌کاری بیان می‌کند. مؤلف دلیل این ابهام‌گویی را حساسیت سیاسی، وسواس‌های مذهبی، آموزه‌ها و باورهای اقلیمی و تأثیر زبان ترکی بر فارسی می‌داند.

در مقاله «دیدگاه‌های اجتماعی و مذهبی نظامی گنجه‌ای» (۱۳۷۱) نوشته م. مک دونالد، ابتدا موقعیت سیاسی و اجتماعی ایران و گنجه ترسیم می‌شود و نویسنده با توجه به چند دستگی مذهبی و مرزی بودن شهر گنجه و دعوای حکام بر سر مالکیت این شهر، نتیجه می‌گیرد که نظامی به بیان عقاید مذهبی عملی خود پرداخته است.

رضا انزابی نژاد در مقاله «جامعه‌شناسی شعر نظامی» (۱۳۶۹) رابطه شعر نظامی با جامعه روزگار خویش را در مقوله‌های هستی‌شناسی، مردم و حاکمیت، فرهنگ و اجتماع، پزشکی و آگاهی‌های طبی، زناشویی، خرافات و اعتقادات به جادو و افسون، عقاید، آداب و شیوه‌های زیستی و تصویر زن در شعر نظامی بیان می‌کند و برای هر یک از موارد شواهدی از شعر نظامی می‌آورد.

در مقاله‌ای دیگر با عنوان «تداوم اندیشه‌های ایرانشهری در مخزن الاسرار نظامی» (۱۳۹۵) نوشته‌ی مریم وافی و دیگران، آیین کشورداری در مخزن الاسرار بررسی شده و عدالت و انصاف مهم‌ترین ویژگی‌ای که نظامی در حکمرانی به آن توجه دارد، معرفی می‌شود.

«سرچشمه‌های اندیشه در منظومه‌های اخلاقی فارسی» (۱۳۹۴) مقاله‌ی مریم زمانی است که در آن، مخزن الاسرار را در زمینه‌ی توصیفات اخلاقی و عرفانی قابل توجه نمی‌داند بلکه تصویرهای ناب و زیبا را مورد توجه قرار می‌دهد و مهم‌ترین فضیلت را از دیدگاه نظامی عدالت می‌داند.

نگاهی به پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد اغلب آثار بازنمایی اجتماع در متن ادبی را در نظر داشته‌اند. در پژوهش حاضر علاوه بر بازنمایی رفتارها و خلق و خوها به زمینه‌کاوای درون متنی این مؤلفه‌ها نیز پرداخته خواهد شد.

۵. بررسی

۱.۵ عصر نظامی

نظامی در سال ۵۳۰ هجری - قمری در شهر گنجه از توابع آذربایجان چشم به جهان گشود و کودکی، نوجوانی و کهن سالی خود را در این شهر سپری کرد. در این دوران سلجوقیان بر ایران حکومت می‌کردند که یکی از دوران‌های پر آشوب و تنش برای ایران بوده است. حملات پی‌درپی ترکان قبایل مختلف، درگیری با بازماندگان حکومت غزنویان برای به دست گرفتن قدرت، حضور اتابکان برای اداره امور شاهزادگان، روحیه جنگ‌جویی ترکان، اختلافات مذهبی گسترده و تعصبات دینی و... از جمله عوامل تنش و آشوب در آن دوران بوده است. دیگر این که سلجوقیان به شیوه ملوک الطوائفی کشور را اداره می‌کردند و هر بخش و منطقه‌ای به دست حاکمی اداره می‌شد. این امر سبب اختلاف و درگیری برای به دست آوردن قدرت در نواحی مختلف ایران می‌شد.

صفا در کتاب تاریخ ادبیات ایران عصر سلجوقیان را دورانی پر از ناامنی و آشوب می‌داند که به دست حاکمانی خون‌ریز، بی‌رحم، شراب‌خوار، متعددی به جان و مال مردم و... اداره می‌شد. سلجوقیان غلامانی ترک بودند و وقتی به فرمانروایی رسیدند با کینه و نفرتی که نسبت به مالکان خود داشتند بر سرزمین ایران حکومت کردند. بیگانه بودن ترکان با

عناصر ایرانی و همچنین تعصب آن‌ها در دین اسلام که ملاک برتری افراد را در تقوا می‌دید، موجب شد بعد از چندی نسب‌سازی پادشاهان و اتصال مجعول خود به خاندان‌های اصیل، کمرنگ شود. این تعصب دینی ترکان در ورود و دخالت بیش از اندازه متشرعان در امور حکومتی و نظامی بی‌تأثیر نبود. از طرفی نادیده‌گرفتن حسب و نسب فرمانروایان باعث می‌شد کسانی که چندی نزد امیر و سلطانی به غلامی گذرانده بودند بر جان و مال مردم نظارت داشته باشند. مسئله دیگری که به این ناآرامی‌ها دامن می‌زد تعصب بیش از حد ترکان در امور دینی و مذهبی بود. تشکیل مدارس نظامیه که بر ترویج علوم نقلی تأکید ویژه‌ای داشتند، خانقاه‌ها و کتابخانه‌های متعدد و تألیف کتب تفسیر و حدیث بر این امر دلالت دارد. در چنین شرایطی پنهان‌کاری مذهبی و دینی به دلیل پذیرفته نشدن از طرف حکومت نمود بیشتری پیدا می‌کرد و از طرفی مذاکرات مذهبی برای برتری دادن عقیده خود، تهمت و افترا را رواج می‌داد. (نک. صفا، ۱۳۲۵، ج ۲، فصل دوم)

آذربایجان و توابع آن از جمله گنجه به دست اتابکان، شمس‌الدین ایلدگز و نوادگانش اداره می‌شد. از طرفی به دلیل موقعیت مرزی شهر گنجه و همسایه بودن با شهرهایی مانند روسیه و روم، مسیحیت و اسلام در تلاقی با یکدیگر قرار گرفتند و مبادلات مذهبی و فرهنگی بین این دو شهر برقرار شد و تعصبات مذهبی و چند دستگی دینی را در پی داشت. حضور نیروهای غازی برای جنگیدن با کفار و وجود تعصبات مذهبی و دینی به دلیل مرزی بودن شهر گنجه و ارتباط با دیگر کشورها به این تنش‌ها و آشوب‌های سیاسی دامن می‌زد و فضای سیاسی و اجتماعی بی‌ثبات را تقویت می‌کرد.

نظامی در عصری زندگی می‌کند که سیاست ملوک‌الطوایفی و ضعف حکومت مرکزی، باعث قدرت‌گیری حکومت‌های متعدد محلی، با سیاست‌های بی‌ثبات و پرتنش و درگیری‌ها و دست‌درازی‌های فراوان آن‌ها به حریم یکدیگر شده است و امنیت و آرامش و عدالت و آزادی، جای خود را به ادعای دین‌داری، آشفتگی اوضاع سیاسی و اجتماعی، بیدادگری و اختناق فکری فرهنگی در جامعه سپرده است. (شیری، ۱۳۸۹: ۹۷)

در چنین شرایطی که در دستگاه حکومتی هرج و مرج و آشوب‌های سیاسی فراوانی وجود دارد، اجتماع که می‌توان تأثیر مستقیم سیاست را در آن دید، از این آشوب‌ها برکنار نبوده. راوندی در کتاب تاریخ اجتماعی ایران وضع طبقات اجتماعی ایران در زمان سلجوقیان را نامناسب توصیف می‌کند. پیشه‌وران، کشاورزان و بازرگانان به دلیل مالیات‌های

سنگین و تعدی شحنگان و کلاتران اوضاع خوبی را سپری نمی‌کردند و تلاش‌های نظام‌الملک، وزیر الب ارسلان، برای بهبود وضع طبقه کشاورز و پیشه‌ور به دلیل فشار فئودال‌ها و روحانیون مفید واقع نشده است. (نک. راوندی، ۱۳۵۴: فصل چهارم)

امیر سمیعان در کتاب آذربایجان در دوره سلجوقیان، آذربایجان را یکی از نقاط امن در این دوران می‌داند که سلجوقیان نتوانستند نفوذ زیادی در این مناطق داشته باشند. از نظر اقتصادی در این شهر بازرگانی به دلیل گذرگاه‌های صعب‌العبور رونق چندانی نداشته؛ همچنین به دلیل اهمیت قبایل در اداره امور، شهرنشینی در این منطقه توسعه‌ای نداشته و تجارت آسیب زیادی دیده بود. یکی از موارد دیگری که به اقتصاد ایران در دوره سلجوقیان آسیب زد، زمین‌های اقطاع و مالیات سنگینی بود که به آن‌ها تعلق می‌گرفت. آب و هوای سرد و بارش فراوان برف و باران، اقتصاد این مناطق را بر پایه کشاورزی و دامداری شکل می‌داد. (نک. سمیعان، ۱۳۹۱: بخش دوم)

عبدالحسین زرین‌کوب، عصر نظامی را دورانی پر از ریا و تزویر و فساد و ناامنی توصیف می‌کند. دورانی که در شهر گنجه به دلیل هم‌مرز بودن با کشورهای مسیحی مذهب و وجود غازیان- سپاهی‌گری رواج پیدا می‌کند. نظامی که در جستجوی آرمان‌شهر خویش و یافتن پادشاهی عادل بوده است، کتاب خود را به پادشاه شهر ارزنجان در رم تقدیم می‌کند. این امر می‌تواند نشان‌دهنده این نکته باشد که نظامی از دستگاه حکومتی شهر خویش رضایت نداشته و پادشاه بیگانه و نامسلمان کشور دیگر را عادل‌تر از پادشاهان خود می‌دانسته. (نک. زرین‌کوب، ۱۳۸۹: فصل اول)

در چنین عصری است که نظامی منظومه نخست خود (مخزن الاسرار) را به بیان مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، دینی و... اختصاص می‌دهد و به بیان اخلاقیات موجود در جامعه می‌پردازد. زرین‌کوب شخصیت نظامی را تا قبل از چهل سالگی، عزلت‌نشین و علاقه‌مند به زهد و تفکر معرفی می‌کند و از سوی دیگر به توجه ویژه او به آداب و رسوم مردم و ضرب‌المثل‌ها اشاره دارد. وی این علاقه به آداب و رسوم و خلیقات مردم را در ارتباط او با اخیان و فتیان شهر، آموختن سلاح‌داری و اسب سواری و ارتباط با پیشه‌وران می‌داند. تقدیم کردن اثر به پادشاه ارزنجان که در دوردست‌ها حکومت می‌کرد و آوازه عدالت و رعیت‌پروری او عالم‌گیر شده بود، مهر تایید دیگری بر موضوع توجه نظامی به زندگی عامه است. (نک. همان: فصل یک و دو)

در میان آثار نظامی، مخزن‌الاسرار که توجه خاصی به اخلاقیات مردم دارد، در این پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته است. دیگر آثار نظامی چون خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، اسکندرنامه، اقبال‌نامه و هفت‌پیکر، اگرچه ردپایی از خلق و خوی آدمیان دوره خویش را در بردارند، اصالتاً منظومه‌هایی غیرتعلیمی‌اند؛ یعنی با هدف تعلیم مفاهیم اخلاقی و تجویز خلق و خو به نگارش درنیامده‌اند؛ از دیگر سو این روایت‌ها در قصر پادشاهان و با شخصیت‌هایی از قشر فرادست شکل می‌گیرند. بنابراین به نظر می‌رسد مخزن‌الاسرار یگانه اثر نظامی است که در آن می‌توان از خلق و خوی عامه مردم سراغ گرفت.

۲.۵ موارد بررسی

نظامی در مخزن‌الاسرار در بیست‌مقاله آموزه‌های اخلاقی خویش را بیان می‌کند. بعد از هر مقاله حکایتی مناسب با آن آموزه اخلاقی بیان می‌دارد. در این پژوهش تمامی بیست حکایت مخزن‌الاسرار بررسی شده‌اند و در هر یک خلق و خوی کاراکترها استخراج شده و دلیلی که در متن برای بروز آن رفتار مطرح شده نیز برای زمینه‌کاوی درون متنی بیان شده است. کاراکتر مقابل، نوع کاراکتر و قشر اجتماعی برای بررسی رویکرد نظامی نسبت به مباحث تعلیمی نیز استخراج شده است. جدول ذیل، نمودار کلی این اطلاعات است:

جدول ۱. حکایت‌های مخزن‌الاسرار

شماره حکایت	خلاصه حکایت	خلقیات موجود در حکایت	دلیل	قشر اجتماعی	نوع کاراکتر	کاراکتر مقابل	نوع ارتباط
۱	دادگری، پادشاه ظالمی را در خواب می‌بیند و سرانجام کار او را جویا می‌شود. ظالم ندامت از کارهای گذشته و یاری خواستن از خداوند را دلیل آمرزش خود می‌داند.	در عین ظلم کردن به مردم به رحمت خدا امیدوار بودن	ظالم امیدواری به رحمت خداوند را دلیل رفتار اشتباه خود می‌داند.	پادشاه	عادی	انسان دادگر	رابطه مردم با زیستشان در جهان غیرمادی

<p>رابطه مردم با حکومت</p>	<p>وزیر خردمند</p>	<p>تاریخی</p>	<p>پادشاه (انوشیروا ن)</p>	<p>ظلم پادشاه باعث خرابی ملک و ظلم افراد جامعه به یکدیگر می شود.</p>	<p>خداترسی، عدالت، سخنوری (وزیر)</p>	<p>انوشیروان و وزیرش برای صید از کوه کبه جدا می شوند و به دهی ویران می رسند. دو پرنده را بر درختی می بینند که با یکدیگر گفت و گو می کنند. وزیر می گوید که این دو پرنده بر سر خواستگاری صحبت می کنند و یکی از آن دو ده ویران را به عنوان شیربها می خواهد. پرنده دیگر می گوید متظر باشد ده های بیشتری را برای شیربها خواهد گرفت زیرا ظلم پادشاه به زودی باعث خرابی تمامی ده ها می شود.</p>	<p>۲</p>
<p>رابطه مردم با زیستشان در جهان غیر مادی</p>	<p>برزرگر</p>	<p>مذهبی</p>	<p>پادشاه/بیام بر</p>	<p>آنچه خدا خواهد همان می شود به شرط اینکه شایستگی و قابلیت وجود داشته باشد</p>	<p>قناعت، توکل، تقدیرگرایی</p>	<p>روزی حضرت سلیمان با برزرگر پیری ملاقات می کند که در زمین بی آب و علفی دانه می کارد. سلیمان او را از این کار نهی می کند و می گوید ما در زمین حاصلخیز دانه می کاریم و به نتیجه ای نمی رسیم تو به چه امیدی در این زمین دانه می کاری. پیر جواب می دهد من به رحمت خداوند امیدوار هستم. هرچه او بخواهد اتفاق می افتد. من به همین اندک محصول قانع هستم.</p>	<p>۳</p>
<p>رابطه مردم با حکومت</p>	<p>پیرزن</p>	<p>تاریخی</p>	<p>پادشاه(س نجر)</p>	<p>ظلم پادشاه سبب ظلم دیگر افراد و نافرمانی مردم از</p>	<p>نکوهش ظلم ستیزی و بی توجهی شاه به رعیت، عدالت</p>	<p>پیرزنی شکایت پیش سنجر می برد که شحنه خانه او را به هم ریخته تا قاتلی را پیدا کند. پیرزن از</p>	<p>۴</p>

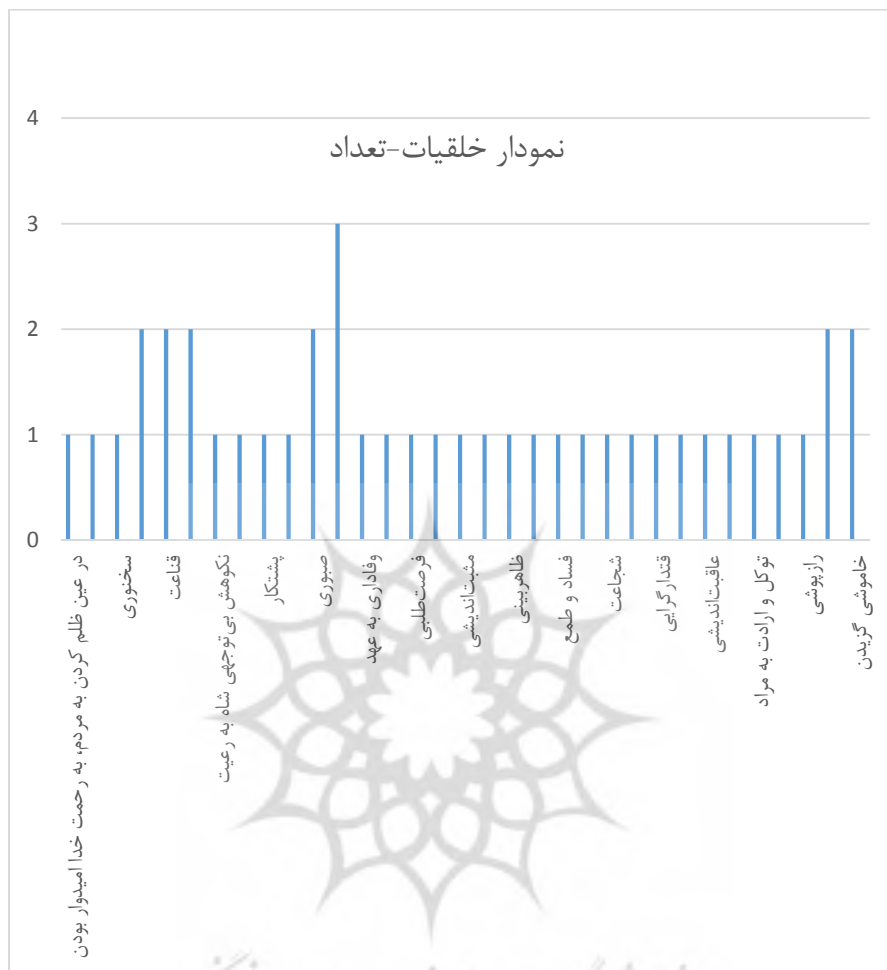
				فرمان پادشاه می‌شود.		سنجر می‌خواهد در رعایت حال رعیت و مظلومان اهمال نکند و سنجر به حرف او توجهی نمی‌کند و نظامی می‌گوید سنجر عاقبت اعمال خویش را می‌بیند.	
رابطه مردم با زیستشان در جهان غیرمادی	عادی (جو ان)	عادی	عادی (پیر)	خشت‌زن آزاده زیستن را دلیل کار کردن خود در هنگام پیری می‌داند.	پشتکار، عزت نفس	جوانی از پیر خشت‌زنی که سال‌ها به این کار مشغول است می‌خواهد این کار را رها کند. پیر می‌گوید که با کار کردن محتاج دیگران نیست.	۵
رابطه مردم با زیستشان در جهان غیرمادی	روباه	عادی	عادی	یقین و ایمان به خداوند	توکل در کسب روزی، صبر، تقدیرگرایی	صیادی سگ شکاری خود را گم می‌کند در این حین روباهی به او می‌گوید که سگ او دیگر باز نمی‌گردد و بهتر است به همان صیدهایی که کرده بسنده کند. صیاد می‌گوید غم روزی را نمی‌خورد. در این هنگام سگ می‌رسد و روباه را شکار می‌کند.	۶
رابطه مردم با حکومت	تیراسب	تاریخی	پادشاه (فریدون)	حمایت از کسی که به آن پناه داده است.	وفاداری به عهد	روزی فریدون به شکار آهویی می‌رود اما نه اسبش به گرد پای او می‌رسد و نه تیر به آن اصابت می‌کند. تیر می‌گوید چون آهو در پناه تو آزاد است و راه می‌رود ما نمی‌توانیم او را شکار کنیم.	۷
رابطه مردم با مردم	گرگ (در نقش دزد)	حیوانی (روباه در نقش نگهبان)	نماینده قشر اجتماعی عادی	با استفاده از غفلت دیگران و با حیله و سیاست می‌توان به	حیله‌گری، فرصت‌طلبی	روباهی نگهبان دکان میوه‌فروشی است. کیسه‌بری قصد دزدی از دکان را دارد ولی با هیچ ترفندی نمی‌تواند	۸

				مقصود خود رسید		روباه را فریب دهد. گرگی در نزدیکی دکان، خود را به خواب می‌زند و با خفتن او روباه خیالش راحت می‌شود و می‌خواهد و دزد به مقصود خود می‌رسد.	
رابطه مردم با زیستشان در جهان غیرمادی	-	عادی	زاهد	ولنگاری خود را به گردن تقدیر انداختن	تقدیرگرایی	انسان مومنی گرفتار خرابات می‌شود. به خداوند شکایت می‌کند که طالع بد، مرا به سوی خرابات کشانده. در این هنگام ندا می‌رسد که اصل دین همین است و چون تو در خواب غفلت بودی از تو پنهان بوده است و تو باید توبه کنی.	۹
رابطه مردم با زیستشان در جهان غیرمادی	مردم عیب‌جو	مذهبی	پیامبر	ناپایداری دنیا	عدم عیب‌جویی از دیگران، مثبت‌اندیشی	حضرت عیسی از گذرگاهی می‌گذرد و سگی را می‌بیند که مردم دور او جمع شده‌اند و هرکس ایرادی از او می‌گیرد. عیسی از دندان‌های سفید او تعریف می‌کند و در انتها نظامی می‌گوید دنیا گذرنده است و ارزشی ندارد به عیب‌جویی پردازیم.	۱۰
رابطه مردم با زیستشان در جهان غیرمادی	-	مذهبی	موید	دیدن خرابی باغ، زاهد را به یاد مرگ می‌اندازد و سبب می‌شود دل‌بستگی‌ها ی مادی را ترک کند	مرگ‌اندیشی	مویدی به بوستانی می‌رود و آن‌جا را سرسبز و خرم می‌بیند. بعد از چند ماه که از آن‌جا می‌گذرد اثری از آن خوشی و خرمی نمی‌بیند. بر اثر دیدن این صحنه متحول شده و عارف می‌شود.	۱۱
رابطه مردم با زیستشان	حکیم دیگر	عادی	حکیم	هر نتیجه‌ای حاصل	ظاهرینی، ترس	دو حکیم با یکدیگر در خانه‌ای زندگی	۱۲

در جهان غیرمادی				نگرش ما به مسائل است	می‌کنند. هر کدام می‌خواهد دیگری را از بین ببرد تا صاحب خانه شود. حکیم اول شربتی زهر آگین به دیگری می‌دهد اما چون حکیم دوم با یاد شکر و بدون بدبینی آن زهر را می‌خورد آسیبی نمی‌بیند. این بار حکیم دوم بر گلی افسون می‌خواند و به حکیم اول می‌دهد و او از ترس با گرفتن آن گل جان می‌دهد.	
رابطه مردم با زیستشان در جهان غیرمادی	صوفی	عادی	حاجی	طمع‌ورزی سبب خیانت در امانت می‌شود	فساد و طمع، بخشش، فناء، نگاه منفی به ثروت	۱۳
رابطه مردم با حکومت	عادی (پیر)	عادی	پادشاه	راست‌گفتار بودن باعث پیروزی انسان می‌شود.	راست‌گویی، شجاعت	۱۴
رابطه مردم با حکومت	پیران رخنه‌گر	تاریخی	پادشاه	از جمله سیاست‌ها ی مملکت‌دار ی، محدود کردن	سیاست، اقتدارگرایی	۱۵

				مخالفان است		خواب می‌بیند که به او می‌گوید آن پیران را بکشد. ملک‌زاده نیز چنین می‌کند.	
رابطه مردم با مردم	عادی (دوستان کودک)	عادی	عادی (کودک)	با عاقبت‌اندی شمی می‌توان تهمت‌ها را از خویش دور کرد	عاقبت‌اندیشی	کودکی با همسالان خود بازی می‌کند که پایش می‌شکنند. یکی از دوستان صمیمی او می‌گوید که او را در بن چاهی بیندازند تا شرمسار پدرش نشوند. کودک دیگری که با کودک پاشکسته دشمنی دارد می‌اندیشد که به دلیل دشمنی او با آن کودک، تهمت این واقعه را بر او می‌نهند پس به پدرش ماجرا را می‌گوید.	۱۶
رابطه مردم با زیستشان در جهان غیرمادی	مردمانی که مرشد را ترک گفتند/ مریدی که مرشد را ترک نکرد	مذهبی	مرشد	در سلوک باید به پیر و مراد ارادت کامل داشت	صبوری، رعایت اصول، شاگردی، توکل و ارادت به مراد	در جمع مردمان باد معده از مرشد خارج می‌شود و مردمان او را ترک می‌گویند. اما مریدی همراه او می‌ماند. مرشد علت را جویا می‌شود و مرید می‌گوید باید بر اشتباه دیگران صبور بود و باد آورده را باد می‌برد.	۱۷
رابطه مردم با حکومت	فرد عادی (پیرزن)	تاریخی	غلام پادشاه (درباری)	پیرزن امین نبودن در سرپوشی را دلیل رسوایی می‌داند	رازپوشی، خموشی	غلام خاصگی جمشید، راز پادشاه را می‌فهمد و سعی می‌کند از جمشید کناره‌گیری کند. پیرزنی دلیل ناراحتی او را می‌پرسد. جوان می‌گوید رازی را می‌داند که می‌ترسد آن را فاش کند. پیرزن غلام را به رازپوشی و خاموشی دعوت می‌کند و	۱۸

						می‌گوید کسی محرم انسان نیست حتی سایه انسان.	
رابطه مردم با حکومت	موی تراش	تاریخی	پادشاه(خ) لیفه) هارون‌الرشید	ثروت سبب تهور و گستاخی می‌شود	نگاه منفی به ثروت	موی تراش هارون‌الرشید در هنگام تراشیدن موی سرش از او می‌خواهد دخترش را به او بدهد. هارون از این حرف آزرده می‌شود اما چیزی نمی‌گوید. موی تراش بار دیگر این پیشنهاد را می‌دهد. هارون موضوع را با وزیرش در میان می‌گذارد و وزیر می‌گوید بدون شک او با داشتن گنج این گونه گستاخ شده است. بار دیگر که موی تراش وارد قصر می‌شود جای او را عوض می‌کنند و قدمگاهش را می‌شکافند و می‌بینند که گنجی در زیر پای او بوده و باعث گستاخی او می‌شده.	۱۹
رابطه مردم با زیستشان در جهان غیرمادی	حیوان (باز)	جانوری	نماینده قشر اجتماعی عادی	خاموشی و فروتنی موجب عزت و زیاده‌گویی سبب ذلت می‌شود	خاموشی گزیدن، فروتنی	بلبلی به باز می‌گوید با اینکه از همه پرندگان خاموش‌تری اما تو را بیشتر عزیز می‌دارند و بر دست پادشاه می‌نشیند. باز می‌گوید چون از هزاران کاری که می‌کند یکی را نمی‌گوید و خاموشی پیشه کرده است به همین دلیل عزیزتر است.	۲۰



۳.۵ تحلیل نمودار

چنان که از نمودار پیداست، در بیست حکایت مورد بررسی در مخزن الاسرار، «تقدیرگرایی» نسبت به سایر خصلت‌ها بسامد بیشتری دارد. سه حکایت از بیست حکایت (۱۵ درصد) مبتنی بر تقدیرگرایی است البته با این توضیح که در یک حکایت، نسبت به این خوی، دیدگاه منفی و در دو حکایت، دیدگاه مثبت وجود دارد. در حکایت ۹، نظامی به تقدیرگرایی نگاهی منفی دارد و معتقد است باید مسئولیت پذیر بود و رفتارهای نادرست خود را به گردن تقدیر نینداخت؛ اما در دو حکایت دیگر (حکایت ۳ و ۶) دلیل تقدیرگرایی،

امیدواری به رحمت خداوند است و سوییۀ مثبت دارد. به نظر می‌رسد تکیه کردن به رحمت خداوند، مثبت‌اندیشی (که در حکایت ۱۲ دیده می‌شود) و به تبع این دو، تقدیرگرایی، حاصل شرایط پرآشوب زمانی و جغرافیایی عصر نظامی است. بسامد بالای خُلُق «توکل» نیز بر همین موضوع دلالت دارد. (در این حکایت‌ها عموماً هر دو خصیلة تقدیرگرایی و توکل با هم دیده می‌شود).

«صبوری» نیز ویژگی پرکاربرد دیگری است که در یکی از حکایت‌ها با محور تقدیرگرایی وجود دارد. در واقع نظامی لازمه تقدیرگرایی و امیدواری به رحمت خداوند را صبوری در این راه می‌داند.

در واقع می‌توان گفت تقدیرگرایی، قناعت، صبر، امیدواری به رحمت خداوند و توکل مجموعه‌ای از خلقیاتی هستند که در حکایت‌های مخزن الاسرار نظامی به هم پیچیده و توصیه شده‌اند.

«عدالت» خُلُق پرکاربرد دیگری است که در رابطه مستقیم با حکومت معنا می‌شود. در هر دو حکایت (حکایت‌های ۲ و ۴) ظلمی که عمال حکومت بر مردم روا داشته‌اند، حاصل بی‌تدبیری پادشاه یا عدم نظارت او بر زیردستان دانسته شده است. چنانکه گفته شد پادشاهی سلجوقیان به شیوه ملوک الطوائفی اداره می‌شده است. این امر موجب درگیری حکام محلی برای به دست گرفتن مناطق همجوار و در نتیجه بی‌توجهی و غفلت از منطقه تحت سلطه می‌شد. در این شرایط به دلیل نبود نظارت بر حاکمان، هرکس به شیوه دلخواه خود عمل می‌کرد. این امر موجب ایجاد هرج و مرج در جامعه و درگیری بین مردم و عمال حکومتی می‌شد. در چنین شرایطی است که نظامی از لازمه وجود عدل در دستگاه حکومتی سخن گفته، دلیل آشوب را ظلم پادشاه و بی‌توجهی او به مسائل مردم می‌داند.

«نگاه منفی به ثروت» خُلُق دیگری است که در دو حکایت (حکایت‌های ۱۳ و ۱۹) بر آن تأکید می‌شود. نظامی ثروت و طمع برای به دست آوردن آن را دلیلی بر فساد و بی‌باکی فرد در انجام دادن اعمال ناشایست می‌داند. در حکایت حاجی و صوفی (حکایت ۱۳)، کاراکتر صوفی به دلیل نداشتن مال، امین مردم شهر بوده و حاجی کیسه زر خود را به او می‌سپارد؛ اما صوفی به محض به دست آوردن مال به طمع می‌افتد. در حکایت هارون‌الرشید و موی‌تراش (۱۹)، کاراکتر موی‌تراش به دلیل داشتن مال گستاخ می‌شود و دختر پادشاه را خواستگاری می‌کند.

طمع نداشتن در مال دنیا و بخشش و قناعت از مضامینی است که بیشتر صوفیان بر آن تأکید دارند. جریان تصوف در قرن ششم با تأسیس خانقاه‌های بسیار، حضور پررنگی در جامعه پیدا کرد. می‌توان یکی از دلایل تعدد مراکز صوفیه را سیاست سلجوقیان در ترویج علوم نقلی دانست. این سیاست به منظور ترویج عقاید مذهبی مورد نظر سلجوقیان انجام می‌شد و دایر شدن مدارس نظامیه مؤید این معنی است. در این دوره به دلیل دخالت صریح حکومت در امور مذهبی و عقیدتی مردم، خانقاه‌ها، مدارس و کتابخانه‌های بسیاری ساخته شدند که به ترویج علوم نقلی (اغلب مباحث مربوط به فقه، حدیث، تفسیر، علوم ادبی و البته گاهی نیز طب) می‌پرداختند. (نک. صفا، ۱۳۲۵: ۲۳۱-۲۳۲)

آذربایجان در این دوران یکی از مراکز مهم عرفانی برای تجمع صوفیان و عارفان بوده است. از جمله عارفان که در این منطقه زندگی می‌کردند، می‌توان به شیخ نجم‌الدین کبری، عین‌القضات میانجی و... اشاره کرد. هجویری در کتاب کشف‌المحجوب می‌نویسد برای دیدار با استاد خود و فراگیری مسائل عرفانی به آذربایجان سفر کرده است. (نک. سمیعان، ۱۳۹۱ فصل سوم)

در حکایت ۱۷ تأثیر دیگری از جریان تصوف در این دوران را می‌توان دید. «ارادت به پیر و مراد» (رعایت اصول شاگردی) و صبوری در راه سلوک، خلقی است که بر آن تأکید می‌شود. چنانکه پیشتر گفته شد در این دوران به دلیل اهمیت دین و مذهب، جریان تصوفی که شریعت آن را تأیید می‌کرد نیز اهمیت یافت. ریا، تزویر و فساد عالمان دینی و صوفیان در پی این امر به وجود آمد. نظامی در این شرایط با روحیه‌ای آسان‌گیر بر لزوم صبر بر خطای بزرگان تصوف (حکایت ۱۷) اشاره می‌کند.

«رازپوشی و خموشی» خلق دیگری است که در دو حکایت (حکایت‌های ۱۸ و ۲۰) بر آن تأکید شده است. در هر دو حکایت لزوم پنهان کردن درونیات مطرح شده است. شاید بتوان خلق رازپوشی و خاموشی را ذیل عنوان «پنهان‌کاری» قرار داد. فراستخواه با بیان چشم‌اندازی از زیست تاریخی ایران و بیان موارد ناامنی و آشوب از جمله شیوه زیست کوچ‌نشینی، جنگ‌های داخلی متعدد در دوره قبل و بعد از اسلام، وجود حکمرانان متعدد، شیوه اداره ملوک‌الطوئفی، نزاع‌های دینی و عقیدتی، حمله سرزمین‌های مجاور، پراکندگی سرزمینی و... خلقیاتی مانند پنهان‌کاری، درون‌گرایی و بی‌اعتمادی را محصول این شرایط می‌داند. (نک. فراستخواه، ۱۳۹۴: ۱۲۵-۱۳۱)

چلبی از این خُلق با عنوان «بدگمانی» نام می‌برد و دلیل آن را فقدان مهارت نسبی ارتباطی می‌داند که در این رابطه فرد قادر به تفسیر کنش دیگران نیست. (نک. چلبی، ۱۳۸۱: ۲۶)

در میانه حکایت ۱۸ نظامی می‌گوید:

پیرزنش گفت مبر نام کس همدم خود هم دم خود دان و بس
هیچ کسی محرم این دم مدان سایه خود محرم خود هم مدان

عدم اطمینان به فرد دیگر و قابل اعتماد نبودن دیگران در شرایطی که در دربار پادشاه، افراد برای رسیدن به قدرت مترصد یافتن فرصتی برای دسیسه‌چینی برای دیگر افراد هستند، امری طبیعی است که نظامی بر آن تأکید می‌ورزد.

«امیدواری به رحمت خداوند» تجویز نظامی در نخستین حکایت مخزن الاسرار است. در این حکایت پادشاه ظالم به دلیل ندامتی که از کارهای گذشته خود دارد، مورد رحمت خداوند قرار می‌گیرد. در شرایطی که پادشاهان سلجوقی در فکر کشورگشایی و وسعت‌دادن به سرزمین خویش بوده، توجهی به توده مردم نداشته‌اند، نظامی از امیدواری به رحمت خداوند حتی در دنیای بعد از مرگ برای بخشش گناهان پادشاهان، صحبت به میان می‌آورد و آنان را به توبه و ندامت تشویق می‌کند و حکایت بعد را نیز به پادشاه و رفتار او با مردم اختصاص می‌دهد.

«خداترسی و سخنوری برای انتقاد از افراد حکومتی» از دیگر خُلقیاتی است که در رابطه مردم با حکومت بیان می‌شود. نظامی در حکایت ۴ و ۱۴ نیز بر ویژگی انتقاد از رفتار پادشاه به طور ضمنی اشاره می‌کند. در هر دو حکایت افراد عادی (پیرزن و پیرمرد) برای تظلم‌خواهی نزد پادشاه می‌روند و در یکی از حکایت‌ها فرد اعتراض‌کننده به مقصود خود می‌رسد اما در حکایت دیگر پادشاه به دادخواهی بی‌اعتناست. در پایان این حکایت، نظامی نتیجه می‌گیرد که چنین پادشاهانی عاقبت این رفتار را خواهند دید.

«راستگویی و شجاعت» از خُلقیات دیگری است که در حکایات مربوط به انتقاد از پادشاهان، تجویز می‌شود (رابطه مردم با حکومت). روزگار نظامی با توجه به شرایطی که ذکر شد، روزگار استبداد پادشاهان و خفقان است. در چنین شرایطی -که شاعران و نویسندگان در دربار پادشاهان سلجوقی از شرایط بهتری نسبت به سایر قشرهای جامعه برخوردار بودند و امکان انتقاد از پادشاه و نصیحت کردن او را به طور ضمنی داشتند-

نظامی دیگر افراد جامعه را دعوت می‌کند با تکیه بر سخنوری به انتقاد از شرایط نامطلوب بپردازند و نهراسند.

«وفاداری به مردم و رعیت» تجویز دیگر نظامی (در حکایت ۷) است که با نماد آهو بیان می‌شود. در این حکایت نیز نظامی از پادشاه می‌خواهد از توجه به مردمی که عهد وفاداری و محافظت از آن‌ها بسته است، غفلت نکند؛ زیرا مردم در پناه او هستند و پادشاه موظف به مراقبت از آن‌هاست.

«سیاست و اقتدارگرایی» تنها خلقی است که در رابطه حکومت با مردم، خلقی درون حکومتی محسوب می‌شود؛ بدین معنا که مربوط به عمال حکومتی - نه مردم عادی - است. در حکایت مربوط به این خلق (۱۵)، ملک‌زاده‌ای جوان که تازه به حکومت رسیده است، با نابود کردن مخالفان، اقتدار پادشاهی خود را نشان می‌دهد. فرستخواه درباره غلبه روحیه سپاهی‌گری و اقتدارگرایی با بررسی تاریخ ایران و اداره حکومت به دست افراد و قبایل مختلف و نبود ثبات سیاسی و حکومتی، می‌نویسد:

به نظر می‌رسد یکی از هسته‌های اصلی مشکلات ایران، بی‌ثباتی، ناامنی و بی‌نظمی نهادینه بوده است. به همین سبب سپاهی‌گری غلبه می‌کرد و نظامیان ابتکار عمل را به دست می‌گرفتند؛ اقتدارگرایی زمینه پیدا می‌کرد و از این رهگذر انتخاب‌های معیشتی مردم شروع می‌شد، مردم انتخاب می‌کردند چطور زندگی کنند تا باقی بمانند. (فرستخواه، ۱۳۹۴: ۱۳۰)

در حکایت مورد نظر، نظامی برای جلوگیری از ایجاد هرج و مرج به دست مخالفان و به‌جهت برقرارکردن نظم و سامان در دستگاه سیاسی، اقتدارگرایی و سرکوب مخالفان را - اگر نه تجویز - مطرح می‌کند.

تقدیرگرایی، توکل، صبر، پشتکار و عزت‌نفس، حيله‌گری و فرصت‌طلبی، عیب‌جویی از دیگران و مثبت‌اندیشی، ظاهرینبی، ترس، فساد و طمع، بخشش و قناعت، عاقبت‌اندیشی، توکل و ارادت به مراد، خموشی و فروتنی از خلقیاتی است که در رابطه‌ی مردم با زیستشان در جهان غیرمادی، مطرح و تشویق یا تقبیح می‌شود. (مطرح‌کردن این خلقیات نشان می‌دهد که این خصلت‌ها (مثبت یا منفی) مبتلا به مردمان زمانه نظامی بوده است.)

در حکایت ۵، جوانی خام، پیرخشت‌زن را به آسایش و دست برداشتن از کار سخت می‌خواند؛ اما پیر او را به پشتکار و عزت‌نفس تشویق می‌کند و از او می‌خواهد راه آزادگی را برگزیند. فرستخواه محیطی را که در آن افراد حکومتی و نخبگان سیاسی در کشمکش با

یکدیگر هستند و هرکس راهی را درپیش می‌گیرد، مولد روحیهٔ مفعولیت سیاسی تودهٔ مردم و احساس بازیچه‌بودن می‌داند. در چنین شرایطی انسان احساس می‌کند در سرنوشت جامعه (و حکومت) دخالتی ندارد و در نتیجه خود را خوار می‌شمارد و برای خود احترامی قائل نیست و لذا عزت‌نفس خود را از دست می‌دهد. (نک. فراستخواه، ۱۳۹۴: ۱۴۴)

در دوران حکومت سلجوقیان به دلیل اهمیت یافتن قبایل و افراد محلی در ادارهٔ حکومت، کشمکش و دعوی سیاسی بین سران قبیله و حکومت‌های محلی نمود زیادی داشت. در این شرایط تودهٔ مردم تنها شاهد دعوی سیاسی میان داعیان قدرت بودند و خود نقشی در تعیین سرنوشت سیاسی جامعه نداشتند. در این شرایط، نظامی بر داشتن عزت‌نفس آحاد جامعه تأکید و برپای خویش ایستادن (عدم وابستگی) را توصیه می‌کند.

«حیله‌گری و فرصت‌طلبی» (در حکایت ۸) برای رسیدن به مقصود با دو نماد حیوانی گرگ و روباه مطرح می‌شود. چلبی خلق حیله‌گری و زرنگی را این‌گونه تعریف می‌کند:

زرنگی، عمل یک عامل زیرک است که تفسیر صحیح و مستقیم فرد از کنش‌های خود را خشی و دیگران را به تفسیری اشتباه دربارهٔ آن کنش‌ها هدایت می‌کند، درحالی که خود او می‌تواند به‌طور موفقیت‌آمیزی کنش‌های دیگران را تفسیر کند. (چلبی، ۱۳۸۱: ۲۲)

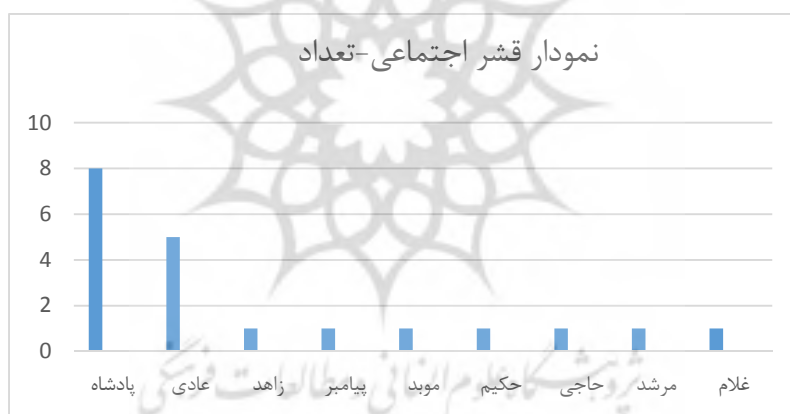
در این حکایت، گرگ نماد شخصی است که با زرنگی می‌تواند به مقصود خود دست پیدا کند و با به خواب‌زدن خود روباه را فریب دهد؛ زیرا می‌داند با خوابیدنش، روباه آسوده‌خاطر شده، نگهبانی را رها می‌کند. فراستخواه با بررسی اجمالی طول مدت حکومت‌داری سلسله‌های مختلف و درگیری و کشمکش میان حکومت‌های محلی و تعدد آن‌ها در نقاط مختلف ایران، وجود خلقیاتی مانند ملاحظه‌کاری، پنهان‌کاری، تلون، نیرنگ، سعایت و فرصت‌طلبی را توجیه می‌کند. (فراستخواه، ۱۳۹۴: ۱۳۳) به نظر می‌رسد در شرایطی که هرج و مرج، آشفتگی و عدم نظارت دقیق بر اعمال افراد وجود دارد، این خلق نمود بیشتری می‌یابد. در حکایت موردنظر، نظامی افراد را به بیداری و آگاهی در برابر زرنگی منفی (حیله‌گری) افراد دعوت می‌کند.

«مثبت‌اندیشی و عدم عیب‌جویی از دیگران» توصیهٔ نظامی است که در بستری مذهبی و با کاراکتر پیامبر بیان می‌شود. دلیل ذکر شده برای این خلق، ناپایداری دنیاست. نظامی در پایان نتیجه می‌گیرد که بهتر است آدمی بر عیب‌های خود تمرکز کند و نسبت به دیگران

دیدنی مثبت داشته باشد. این توصیه، چنانکه پیشتر نیز گفته شد، بیشتر صبغه‌ای عرفانی و صوفیانه دارد.

در حکایت ۱۱ نیز ردپای اندیشه‌های عرفانی را می‌توان دید. موبد با دیدن باغی در دو فصل بهار و پاییز، نتیجه می‌گیرد در دنیای فانی باید تعلقات را ترک گفت.

در حکایت ۱۶ نظامی از لزوم «عاقبت‌اندیشی» برای حفظ موقعیت خود و دوری از خطر یاد می‌کند. (می‌توان این خلق را ذیل عنوان سیاست و حيله‌گری (زرنگی) نیز گنجانند.) البته تفاوت این خلق با خلقی که در حکایت ۸ آمده، در این است که در این حکایت بر جنبه مثبت این خوی تأکید می‌شود. (نظامی دانایی را برای عاقبت‌اندیشی در جهت حفظ موقعیت و منافع خود، لازم می‌داند؛ اما در حکایت ۸ زرنگی به کار رفته از نوع زرنگی منفی است که فرد تنها می‌خواهد گلیم خود را از آب بیرون بکشد و به مقصود خود دست یابد.)

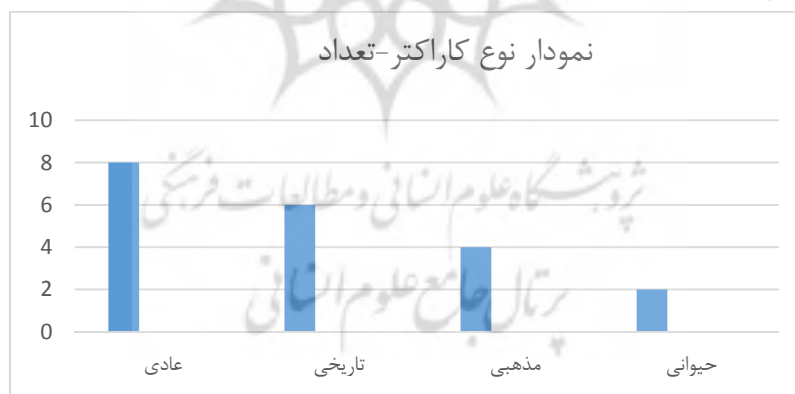


چنانکه نمودار نشان می‌دهد بیشترین قشر اجتماعی که مورد توجه نظامی است، قشر اجتماعی حاکم (پادشاه) است. در این حکایت‌ها توصیه‌های نظامی هم خطاب به قشر حاکم در مورد چگونگی رفتار با مردم است و هم به ارتباط مردم با حکومت و لزوم انتقاد از عمال حکومت در جهت سامان‌گرفتن امور می‌پردازد.

قشر اجتماعی غلام نیز منصبی درباری دارد. قشرهای اجتماعی موبد، پیامبر، زاهد، حاجی و مرشد در دسته قشرهای مذهبی قرار می‌گیرند. یادآوری این نکته جالب توجه است که در حکایت‌هایی با قشر اجتماعی پیامبر، حاجی، مرشد و زاهد این چهار قشر، مرتکب خلقی ناهنجار می‌شوند. (حاجی به مال دنیا دلبستگی دارد، مرشدان بر آزمون پیر

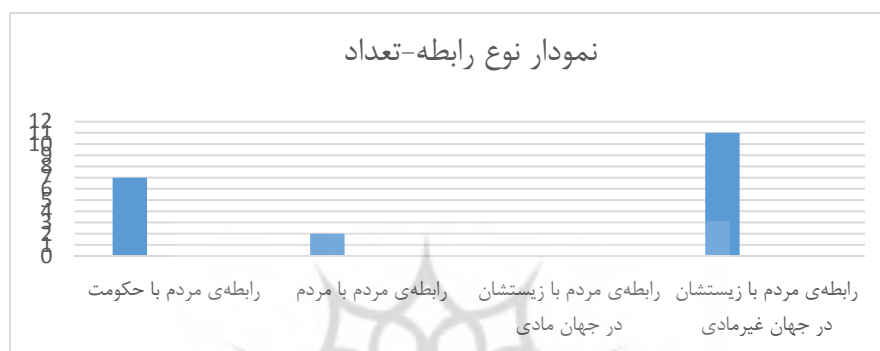
صبوری نمی‌ورزند، حضرت سلیمان که متعلق به هر دو قشر پادشاه و پیامبر است، قناعت‌پیشه نیست، و زاهد، ولنگاری خود را به گردن تقدیر می‌اندازد. چنانکه گفته شد در عصر سلجوقیان مذهب‌یون مجال بیشتری برای حضور در جامعه و ایفای نقش‌های دولتی داشتند و از حمایت حکومت برخوردار بودند. در چنین شرایطی انتظار این است که این قشر کج‌رفتاری‌های اجتماعی نداشته باشند، نظامی به انتقاد از عملکرد آنان می‌پردازد. فراستخواه رابطه مثبت میان دین و دولت و مشروعیت‌بخشی به سیاست را دلیلی برای جهش ویروسی ریا و تزویر و مقدس‌نمایی می‌داند. (نک. فراستخواه، ۱۳۹۴: ۲۱۳)

برعکس این موضوع در قشرهای اجتماعی عادی (عامه مردم) دیده می‌شود. در تمامی حکایات مربوط به قشر اجتماعی عادی، افراد طبق همان خلقی عمل می‌کنند که نظامی بر لزوم وجود آن تأکید می‌ورزد؛ به بیان دیگر اقشار اجتماعی عادی خلیاتی را باور دارند و براساس آن عمل می‌کنند که نظامی نیز به آن باور دارد و مبلغ آن است. (معنای تلویحی آن، این است که خصلت‌های عامه از خلق و خوی عمال حکومتی بهتر است و اگر زمام امور به دست مردم سپرده شود، جامعه به شکل بهتری (اخلاقی‌تری) اداره خواهد شد.) با توجه به موارد ذکر شده می‌توان نتیجه گرفت تمرکز نظامی در حکایت‌های مخزن‌الاسرار، بر حکومت، مذهب و توده مردم است. نمودار نوع کاراکتر نیز مؤید همین معنی است:

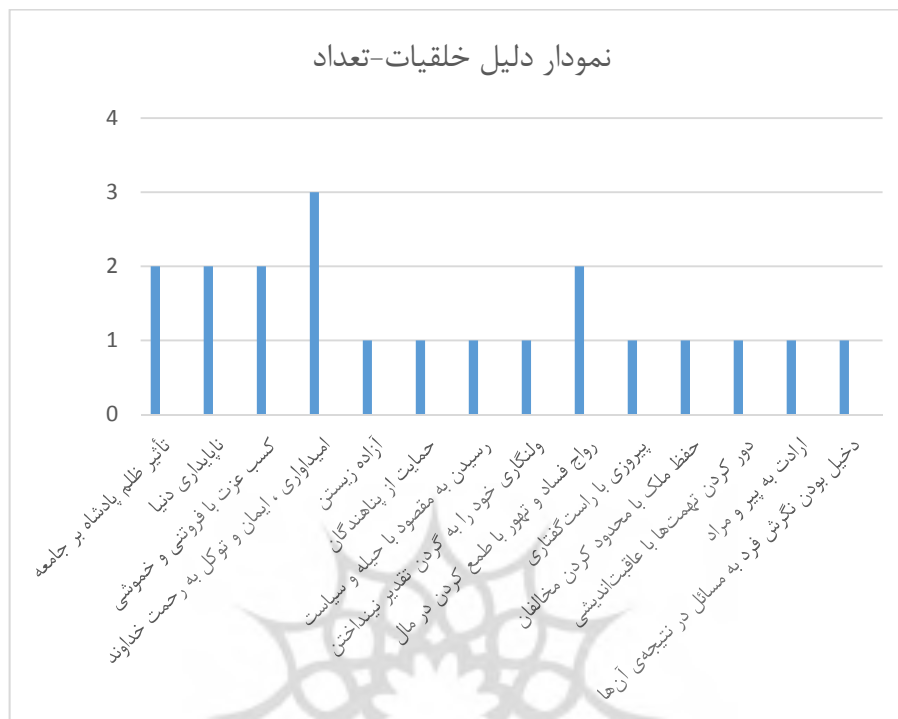


در این نمودار بیشترین نوع کاراکتر، کاراکتر عادی است. کاراکترهای تاریخی موجود در حکایات، مربوط به پادشاهان است. در کاراکترهای مذهبی، از قشر اجتماعی پیامبر فقط یک مورد استفاده شده است. کاراکتر حیوانی که در دو حکایت وجود دارد، نماینده کاراکترهای عادی جامعه هستند. نکته جالب توجه استفاده نکردن نظامی از کاراکترهای اسطوره‌ای

است. می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که نظامی برای تشویق یا تقبیح خلیات مورد نظر خود، از حکایت‌هایی درباره شخصیت‌های عادی یا کاراکترهای تاریخی بهره جسته است تا برای مخاطبان، ملموس‌تر، قابل درک‌تر و قابل دسترس‌تر باشد. این ویژگی‌ها (واقع‌نمایی) طبعاً در کاراکترهای افسانه‌ای و اسطوره‌ای وجود نداشته است. شیوه قصه‌گویی نظامی و دخیل‌نبودن تخیل برای بیان حکایت‌ها نیز مؤید این نکته است.



چنانکه مشهود است بیشترین نوع رابطه مربوط به ارتباط مردم با زیستشان در جهان غیرمادی است. تمرکز اصلی این نوع رابطه بر فرهنگ و اعتقادات موجود در جامعه است. (می‌توان موارد مربوط به رابطه مردم با مردم را نیز در همین مقوله گنجانید.) در عموم آثاری که مربوط به مخزن‌الاسرار و اندیشه نظامی است، اغلب بر رابطه مردم با حکومت اشاره شده است و پژوهندگان به این نتیجه رسیده‌اند که بیشترین توجه نظامی بر حکومت و ویژگی عدل پادشاه است. اما پژوهش حاضر نشان می‌دهد بیشترین توجه نظامی بر خلیات مردم عادی و رابطه‌ای است که با یکدیگر دارند.



در این نمودار، چنانکه دیده می‌شود امیدواری و ایمان به رحمت خداوند پرکاربردترین دلیل کنش کاراکترهاست. این انگیزه، خلق تقدیرگرایی و توکل را تقویت می‌کند و در زمره رابطه مردم با زیستشان در جهان غیرمادی قرار دارد. رواج فساد و تهور به سبب (با انگیزه) طمع کردن در مال؛ کسب عزت با فروتنی و خموشی به سبب ناپایداری دنیا، نیز خلییاتی هستند که در حوزه رابطه مردم با زیستشان در جهان غیرمادی قرار می‌گیرند. تأثیر ظلم پادشاه بر جامعه در رابطه حکومت با مردم معنا پیدا می‌کند. دلیل سایر خلیی‌های دیگر نیز که کاربرد کمی در این حکایت‌ها دارند، ذیل رابطه مردم با زیستشان در جهان غیرمادی معنا می‌یابد. این نمودار نیز مهر تایید دیگری بر توجه و تمرکز نظامی بر فرهنگ و اعتقادات مردم است.

۶. دریافت‌ها و نتایج

بررسی نمودارهای یاد شده نشان می‌دهد تمرکز اصلی نظامی بر اجتماع و مسائل مربوط به آن است و سیاست و مذهب در جایگاه بعدی قرار می‌گیرند. در میان بیست حکایت

بررسی شده، ۱۱ حکایت به رابطه مردم با زیستشان در جهان غیرمادی مربوط می‌شود. ۲ حکایت رابطه مردم را با یکدیگر مورد بررسی قرار داده است. رابطه مردم با حکومت، ۷ حکایت را به خود اختصاص می‌دهد. در تمامی حکایاتی که پادشاه در آن دخیل است، خلُق مورد نظر نظامی برعکس رفتاری است که پادشاه انجام می‌دهد و نظامی پادشاهان را به عمل نکردن به خلق موجود در حکایت دعوت می‌کند. در خلقیات مربوط به کاراکترهای عادی، کاراکتر بر مبنای همان خلق که در نظر نظامی است عمل می‌کند.

لذا می‌توان گفت نظامی از عملکردها سیاسی و حکومتی رضایتی نداشته و به انتقاد از آنها می‌پرداخته. در نهاد اقتصادی، نظامی بیشتر بر بی‌توجهی به مال دنیا و در عین حال آزاده زیستن تأکید دارد. همچنین بیشترین توجه نظامی بر عقاید و فرهنگ مردم و ارتباطی که با جهان اطراف برقرار می‌کنند است. این موضوع یافته‌های دیگر پژوهش‌ها که تمرکز نظامی را بر روی عملکرد دولت و پادشاه می‌دانند، نقض می‌کند.

نمودار نوع کاراکترها نشان‌دهنده آن است که نظامی بیشتر بر کاراکترهای عادی و تاریخی که حقیقی هستند متمرکز است. شیوه قصه‌گویی او که عنصر تخیل در آن کم‌رنگ است، نیز بر این موضوع تأکید دارد. فقط در ۵ حکایت (۲ و ۶ و ۷ و ۸ و ۲۰) نظامی از کاراکترهای حیوانی استفاده کرده است که در آنها نیز، حیوانات نماینده قشرهای انسانی هستند. در واقع نظامی با استفاده از کاراکترهای حقیقی و اعمال حقیقی باورپذیری خلقیات تجویزی مورد نظرش را تقویت می‌کند (کارکرد حکایت از اساس همین است).

مجموع خلق‌های تقدیرگرایی مثبت، توکل با تلاش، صبوری، مثبت‌اندیشی و امیدواری به رحمت خداوند نشان‌دهنده این است که نظامی نگرشی مثبت به جهان و نازیبایی‌های آن دارد و مردم را تشویق به مثبت‌اندیشی همراه با صبوری، امیدواری و تلاش می‌کند. پایان‌بندی حکایت‌ها نیز بر همین موضوع دلالت دارد. فقط در یک حکایت (حکایت ۴) کاراکتر اصلی، سنجر، به دلیل عمل نکردن به خلق موجود در حکایت گرفتار عاقبت بدی می‌شود. در سایر حکایات، با عمل کردن کاراکتر اصلی به خلُق مورد نظر، پایان مثبتی برای حکایت رقم می‌خورد و نظر نظامی را -که خلق تجویزی، منجر به عاقبت خوش خواهد شد- تقویت می‌کند.

کتاب‌نامه

- انزایی‌نژاد، رضا (۱۳۶۹). «جامعه‌شناسی شعر نظامی». جستارهای ادبی. ش ۸۸ و ۸۹، صص ۱۲۷-۱۴۸.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۵). دانشنامه جهان اسلام؛ زیر نظر غلامعلی حداد عادل. ج ۲۲. چ ۱. تهران: دانشنامه جهان اسلام
- چلبی، مسعود (۱۳۸۱). بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران. ج ۱. تهران: صادق رواندی، مرتضی (۱۳۵۴). تاریخ اجتماعی ایران. ج ۲. چ ۲. تهران: امیرکبیر
- رضوی، سیدابوالفضل و شهرام رهنما حسن‌وند (۱۳۹۶). «چیستی و خاستگاه و علل برآمدن تاریخ اجتماعی». تاریخ اسلام. ش ۶۹. صص ۵۹ تا ۸۴.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۵). نموده‌های فرهنگی و اجتماعی در ادب فارسی. ج ۲. تهران: نشر آگه
- ریو، جان مارشال (۱۳۹۵). انگیرش و هیجان. ترجمه یحیی سیدمحمدی. چ ۲۱. تهران: ویرایش زمانی، مریم (۱۳۹۴). «سرچشمه‌های اندیشه در منظومه‌های اخلاقی فارسی». پژوهش‌های اخلاقی. ش ۱۹. صص ۷۳-۹۴
- زرنکوب، عبدالحسین (۱۳۸۹). پیر گنجی در جستجوی ناکجاآباد. چ هشتم. تهران: سخن.
- سادوک، بنجامین و ویرجینیا سادوک و پدرو روئیز (۱۳۹۵). خلاصه روانپزشکی کاپلان و سادوک. ترجمه مهدی گنجی. ج ۲. تهران: ساوالان
- سمعیان، امیر (۱۳۹۱). آذربایجان در زمان سلجوقیان. تهران: بنیاد موقوفات دکتر افشار شیری، قهرمان (۱۳۸۹). «ابهام‌گویی سیاسی در منظومه‌های نظامی». مطالعات و تحقیقات ادبی. ش ۱۰. صص ۹۵-۱۳۴
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۵۲). تاریخ ادبیات در ایران. ج ۲. چ ۶. تهران: ابن سینا
- فراستخواه، مقصود (۱۳۹۴). ما ایرانیان؛ زمینه‌کاوی تاریخی و اجتماعی خلیقات ایرانی. چ ۶. تهران: نشر نی
- فلاحی، کیومرث (۱۳۹۰). رفتارشناسی ایرانیان: درآمدی بر شناخت روحیات، فرهنگ و رفتار مردمان ایران. تهران: مهکامه
- گرث، هانس و سی.رایت میلز (۱۳۸۰). منش فرد و ساختار اجتماعی. ترجمه اکبر افسری، تهران: آگاه
- محرمی، رامین و اعظم سروری (۱۳۹۲). «هویت انسان در پنج گنج نظامی». متن‌شناسی ادب فارسی. ش ۱۷. صص ۲۹-۴۴
- مک دونالد، م.و (۱۳۷۱). «دیدگاه‌های اجتماعی و مذهبی نظامی گنجوی». ترجمه روح‌انگیز کراچی. فرهنگ. ش ۱۰. صص ۴۳۱-۴۳۸
- موسی‌پور، ابراهیم (۱۳۸۶). «تاریخ اجتماعی: رویکردهای نوین به مطالعات تاریخی». تاریخ و تمدن اسلامی. ش ۶. صص ۱۴۱ تا ۱۸۵

باید و نیابدهای اخلاق فردی و اجتماعی در مخزن الاسرار ... ۳۱

میرسپاسی، علی (۱۳۸۸). اخلاق در حوزه عمومی: تأملاتی در باب ارزش‌ها و نهادهای دموکراتیک. تهران: نشر ثالث

نظامی گنجه‌ای، الیاس بن یوسف (۱۳۹۱). مخزن الاسرار. تصحیح بهروز ثروتیان. چ ۲. تهران: امیرکبیر
وافی ثانی، مریم و محمدجعفر یاحقی و شریف‌اف خدایی (۱۳۹۵). «تداوم اندیشه‌های ایرانشهری در
مخزن الاسرار نظامی». جستارهای ادبی. ش ۱۹۲. صص ۷۹-۱۰۶

